

گروسی در برابر اتهام سیاسی کاری



جلال خوش چهره

تحلیلگر مسائل بین‌الملل

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای (IAEA) و همکاریانش در این سازمان باز هم به سیاسی کاری متهم شده‌اند. این بار اما از سوی اسرائیلی‌ها که به شدت نگران هر گونه توافق تهران و آژانس درباره اختلاف‌هایی هستند که ممکن است در آینده نزدیک ایجاد شود. «رافائل گروسی» در کنفرانس مطبوعاتی‌اش که دو شنبه ۱۵ خرداد ۱۴۰۱ (پنجم ژوئن) برگزار شد، از شدت این اتهام که این‌بار ساخته و پرداخته اسرائیلی‌هاست، کلافه شد. او خطاب به خبرنگارانی که به نمایندگی از اسرائیل، کارزار اتهام «سیاسی کاری» آژانس را در گزارش فصلی خود به شورای حکام آژانس دنبال می‌کردند، با تأکید گفت که نهاد زیر مدیریت او تنها بر اساس «استانداردهای فنی» عمل می‌کند و در این باره، داور و هیئت‌های کاملاً بی‌طرفانه است. اسرائیلی‌ها سخت نگران هر گونه توافق یا مجالی هستند که موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران را از چارچوب مفهومی دلخواه آنان خارج کند که جنبه «امنیتی» نزد جامعه جهانی داشته باشد. از این رو هر گونه تعدیل در نگرش جامعه جهانی به توانمندی هسته‌ای ایران، مخالف سیاست راهبردی اسرائیل در این باره خواهد بود. کوشش اسرائیلی‌ها تحریک هر چه بیشتر علیه برنامه هسته‌ای ایران به عنوان «تهدید امنیتی» نه تنها برای تل‌آویو، بلکه منطقه و جامعه جهانی است. اگر چه اسرائیلی‌ها به مدد برخی جریان‌های افراطی و زیاده‌گویی‌های آنان توانسته‌اند تا حدود زیادی بر افکار عمومی جامعه بین‌المللی تأثیر بگذارند، اما انتقادهای بزنگاهی تهران – به ویژه در آستانه نشست‌های فصلی شورای حکام آژانس – از بار حملات تبلیغاتی علیه توانمندی هسته‌ای ایران کاسته است. گزارش فصلی «رافائل گروسی» به نشست ژوئن، نه آنگونه که تل‌آویو را نگران توافق فوری آژانس بر سر اختلاف‌هایش با تهران کند و نه به معنای تشدید اختلاف‌ها بر سر پرسش‌ها و اتهام‌های موجود درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران است. مدیر کل IAEA در گزارش خود بر این مهم تصریح دارد که هنوز ایران به نقطه بی‌پازگشت در توانمندی برای تولید بمب اتم نرسیده ولی پرسش‌هایی کلیدی درباره مسائل پادمانی و میزان تعهدات برجامی تهران با توجه به برخی اتهام‌ها در باره سه سایت هسته‌ای باقی است. او اعلام کرده که پیشرفت‌هایی در همکاری تهران با آژانس صورت گرفته است؛ از جمله مجاب کردن این نهاد از سوی مقام‌های ایرانی درباره غنی‌سازی نزدیک به ۸۴ درصدی اورانیوم، نصب دوربین‌های آنلاین در تأسیسات هسته‌ای و ادامه مرادفات با تهران برای پیدا کردن پاسخ به اتهام‌هایش درباره خلأهای اطلاعاتی از میزان پیشرفت‌های ایران در زمینه امکان دستیابی تهران به فناوری بیشتر که آژانس آن را تهدید می‌خواند. او تصریح کرده که ارزیابی آژانس هیچ تغییری با گذشته نکرده بلکه همکاری‌های تازه تهران، امکانی برای تعامل سازنده را می‌تواند فراهم کند. به این ترتیب، پیشرفت در تعاملات میان تهران و آژانس، نمی‌تواند به تحقق حل اختلاف‌های مدت‌دار جاری انجامیده، بلکه در ارزیابی واقعی، می‌توان وضع جاری را یک گام به سمت حل اختلاف‌ها تعبیر کرد. البته گروسی در گزارش فصلی خود به افزایش ۲۵ درصدی غنی‌سازی اورانیوم از سوی ایران اشاره کرده و نیز پرسش‌های به‌جامانده در باره خلأ اطلاعاتی از فعالیت‌های هسته‌ای، چشم‌انداز نزدیک شدن به حل اختلاف‌ها را همچنان در پرده ابهام نگه داشته است. گروسی خلأ اطلاعاتی از نخست‌را پیامد برچیدن دوربین‌های نظارتی آژانس از تأسیسات هسته‌ای از سوی ایران می‌خواند. دومین خلأ نبود تصاویر روشن از آنچه در تأسیسات یاد شده در فاصله زمانی ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۳ میلادی رخ داده است. او بر این باور است که بر شدن خلأهای اطلاعاتی به مثابه جفت و جور شدن پارلی است که در صورت انجام، خواهد توانست به اختلاف‌ها پایان دهد. مدیرکل تصریح می‌کند که هر آنچه آژانس در مدت‌اخیر انجام داده، براساس دستور کار بیانیه ماه مارس گذشته شورای حکام بوده است. گروسی در گزارش خود، به جز موضوع غنی‌سازی بیش از ۸۳/۷۸ درصدی، هیچ‌یک از توضیحات مقام‌های ایرانی را برای مثال درباره ادعای آزمایش‌های انفجاری در سایت میروان و پیدا شدن اورانیوم ضعیف شده نپذیرفته است. او می‌گوید؛ ما هنوز راهی نداریم که توضیحات تهران را نه رد و نه ثابت کنیم. از این رو مدیر کل، کار را به آینده تعاملات میان تهران و آژانس وا می‌گذارد. با نگاه به گزارش اخیر مدیرکل IAEA و آنچه شورای حکام بر این اساس بیانیه پایانی خود را تنظیم کرده است، می‌توان انتظاری دوگانه داشت؛ واکشش به گزارش فنی و مطابق با ادعای گروسی درباره فنی و متعهدبودن آن به اصول آژانس. یا انتشار بیانیه‌ای از روی مصلحت و با هدف ایجاد فرصت برای امکان ادامه تعاملات سازنده میان تهران و آژانس. هر دو احتمال بالا به پیش‌بینی دور کردن نقطه جوش در روابط تهران با جامعه جهانی در مقطع کنونی نزدیک‌تر است. این بیانیه است که اسرائیلی‌ها را به صرافت اتهام‌زنی علیه مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای انداخته است. اسرائیلی‌ها ایجاد فرصت بیشتر برای تهران را نمی‌پسندند. گمانه‌ها در باره این که تهران در صورت عقب راندن خط تصمیم تهدیدزای احتمالی شورای حکام، چه راهکاری را پس از این دنبال خواهد کرد، مجال دیگری می‌طلبد. پاسخ به پرسش‌هایی مانند این که انعطاف‌های مقطعی بعد از این هم کار ساز خواهد بود؟ یا چاره‌ای اساسی برای حل اختلاف‌ها باید جست به انتخاب استراتژیک تهران بستگی دارد.

کوتاه

غرب مشکلات احيای برجام را حل و فصل کند

نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی واقع در وین در توییتهی در واکنش به اظهارات مطرح شده از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا در نشست شورای حکام نوشت: غرب در جلسه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نگرانی‌ها و شکایت‌های متعددی را در خصوص برنامه هسته‌ای ایران مطرح کرد. جدی گرفتن آن‌ها سخت است؛ چرا که آمریکا و تروئیکای اروپایی می‌توانند با بازگشت به مذاکرات وین برای نهایی‌سازی توافق بر سر برجام به حل و فصل سریع مشکلات کمک کنند. میخائیل اولیانوف در توییته دیگری نوشت: آیا عدم آمادگی مذاکره‌کنندگان غربی برای نهایی‌سازی مذاکرات وین به معنای آن است که به رغم تمامی شکایت‌هایشان، آن‌ها کم و بیش از وضعیت کنونی مسائل پیرامون برنامه هسته‌ای ایران راضی هستند؟ اگر نیستند چرا دیپلماتی را رها کرده‌اند؟



صادق زبیاکلام در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

بخش‌هایی از حاکمیت پیام نارضایتی‌های ۱۴۰۱ را گرفتند

قضاوت‌ها نسبت به

جمهوری اسلامی از روی بغض و کینه است

آخرین حضور پر شور مردم

به امید تغییر در انتخابات دور دوم روحانی بود

آرمان ملی – حمید شجاعی: دهه‌های پس از انقلاب اسلامی جامعه با فراز و فرودهای مختلفی مواجه بوده است و هر دولتی با رویکردها و نوع تفکرات خود ۸ سال آنتور که می‌خواسته کشور را پیش برده است؛ هاشمی رفسنجانی به سازندگی پرداخت، خاتمی بر مدار اصلاحات پیش رفت، احمدی‌نژاد عدالت‌ورزی پیشه کرد و روحانی مسیر اعتدال را پیش گرفت. اما در این مسیر بعضاً شاهد ناراضی‌هایی نیز بوده‌ایم که خود را در قالب عدم شرکت در انتخابات یا اعتراضات خیابانی و... نشان داده است. با این حال از میانه‌های دهه نود به این سو اعتراضات مردم نسبت به عملکردها بیشتر شد. چنانکه برخی معتقدند اگر در سال ۸۸ نوع اعتراضات سیاسی بود؛ در سال‌های ۹۶ و ۹۸ این اعتراضات سوبه‌های اقتصادی گرفت؛ اما به قرائت عده‌ای از تحلیلگران ناراضی‌های شش ماهه دوم ۱۴۰۱ رانه می‌توان سیاسی دانست و نه اقتصادی قلمداد کرد بلکه آن را نوعی اعتراض سبک‌زندی نام‌نهاد. حال پرسش اینجاست که با توجه به آنچه در جامعه در قالب مطالبات مطرح است و نوع رویکردهای حاکمیت تکلیف مفهومی به‌نام سرمایه اجتماعی چه می‌شود و اکنون این سرمایه در چه جایگاهی قرار دارد. در این خصوص «آرمان ملی» با صادق زبیاکلام، استاد دانشگاه و فعال سیاسی به گفت‌وگو پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

کدام شهرستان آمده و کسی به دنبال این مساله نیست. امروز همه به دنبال آن هستند که چگونه گلیم خود را از آب بیرون بکشیم، چگونه مهاجرت کنیم، چگونه پول دربیاوریم. این مساله را مسئولان نمی‌توانند تفهیمه داده باشند.

روند سرما به اجتماعی طی دهه‌های مختلف در مقاطع متفاوت کاهش یا افزایش داشته است؛ اما اکنون شاهدیم که این روند بیش از آنکه در جهت حمایت از دولت و برخی نهادها باشد کاهش شده است؛ این موضوع را از چه منظری می‌توان تحلیل کرد؟

امروز با نسلی تحت عنوان دهه هفتادی و دهه هشتادی مواجهیم و یکی از اتفاقاتی که افتاده این است که مفهومی به نام سرمایه اجتماعی آسبیده دیده است. من همیشه این مثال را می‌زنم که اگر فردی در دهه ۶۰ از مرخ به ایران می‌آمد و برای مثلاً پادشاه مرخ گزارشی تهیه می‌کرد که چرا مردم ایران علیه پهلوی قیام کردند می‌گوید به دلیل عواملی چون ناراضی‌های «سانسور، شکنجه ۵ هزار زندانی سیاسی، عدم انتخابات و مطبوعات آزاد و... مردم علیه پهلوی‌ها شدند. آن فرد ده سال بعد به ایران می‌آید در دهه هفتاد دومی‌تبه گزارشی تهیه می‌کند و می‌گوید که مردم همچنان نسبت به پهلوی‌ها منجز حسرتند و جنگ تمام شده و آقای هاشمی می‌خواهد کارهایی کند. مجدداً ده سال بعد یعنی دهه هشتاد که بیست سال از انقلاب گذشته به ایران باز می‌گردد که گزارشی تهیه کند. می‌گوید مردم همچنان مخالف رژیم سابق هستند، پای انقلاب ایستاده ولی یک اعتراضات محدودی هم می‌کنند و به یک سیدی به اسم خاتمی رای دادند که فضای بازتر و آزادی مطبوعات به وجود بیاید. آن فرد دوباره می‌رود و ۲۰ سال بعد می‌آید و این بار گزارش متفاوتی تهیه می‌کند و می‌گوید برخی معترضند و بعضاً شعارهای ساختار شکنانه می‌دهند. آن زمان پادشاه مرخ به گزارشگر می‌گوید مطمئن هسته‌ای که به ایران رفته بودی؟ تا سال‌ها

روا. لذا معتقدم چهار سال دوام روحانی از ۹۶ تا ۱۴۰۰ نقطه عطف دیگری بود که مردم در سال ۹۶، ۲۴ میلیون به آقای روحانی و ۱۷ میلیون به آقای رئیسی رای دادند و بالای ۶۰ درصد در انتخابات شرکت کردند. این نشان می‌دهد که قطعاً اگر مردم به این نتیجه رسیده بودند که هیچ امیدی نیست نمی‌آمدند ۲۴ میلیون رای بدهند. شما اگر معتقد باشید که هیچ فایده‌ای ندارد و هیچ اصلاح و تغییری نمی‌شود به‌وجود آورد، نمی‌روید در انتخابات شرکت کنید. همچنانکه در انتخابات ۱۴۰۰ شاهد بودیم و همان‌طور که دیدیم کمتر از ۲۰ درصد در تهران و شهرهای بزرگ در انتخابات شرکت کردند. از انتخابات سال ۱۴۰۰ که عبور کنیم من معتقدم اعتراضات سال ۱۴۰۱ نقطه عطف سوم بود. نقطه عطف اول در سال ۷۶ بود. هر چند که آن زمان نیز مخالفتها را جدی نگرفته بودند. چنانکه دیدیم مردم در دوم خرداد ۷۶ به آقای خاتمی رای دادند و در ۲۹ اردیبهشت ۹۶، ۲۴ میلیون به آقای روحانی رای دادند، اما هنوز حاکمیت پیام را دریافت نکرده بود.

شرایط اجتماعی جامعه در سال گذشته به نحوی پیش رفت که اگر در مقاطع قبلی در ۹۶ و ۹۸ ناراضی‌های مردم سوبه‌های اقتصادی داشت؛ در ۱۴۰۱ به سمت و سوی دیگری رفت؛ ارزیابی شما از علل این ناراضی‌های چگونه است؟

من فکر می‌کنم نقطه عطف سوم جمهوری اسلامی اعتراضات سال ۱۴۰۱ بود. لذا دیگر نمی‌شد که صدای اعتراض را نشنویم. من فکر می‌کنم بخش‌هایی از حاکمیت در طی آن ۴ ماه متوجه اهمیت اعتراضات شدند. حاکمیت متوجه شد که به‌خصوص جوانان و نسل‌های بعد از انقلاب و دهه‌های هفتاد و هشتاد‌ها منتقد و بعضاً مخالف هستند. البته من معتقدم که خیلی از افراد داخل حکومت پیام اعتراضات ۱۴۰۱ گرفتند. حال باز نمی‌کنند یا مصلحت‌اندیشی می‌کنند. این آگاهی در مجلس، دولت، برخی نهادهای خاص و... به‌وجود آمده و متوجه شدند که اعتراض مردم از چه باب است. البته یکی از چیزهایی که حاکمیت از اعتراضات ۱۴۰۱ تعبیر می‌کند این است که این اعتراضات اقتصادی است. لذا معتقدند اگر رئیسی بهتر کند؛ اگر روحانی بهتر در ۸ سال کار می‌کرد یا احمدی‌نژاد و هاشمی رفسنجانی بهتر کار می‌کردند و اصلاح‌طلبان فقط به دنبال مسائل سیاسی و گفت‌وگو می‌تند؛ این‌ها نمی‌فکنند و به فکر اقتصاد می‌رفتند و وضع ما این نبود. اگر آمریکا ما را تحریم نکرده بود وضعیت اینطور نبود. در حالی که اقتصاد نیست. آنچه بخشی از جوانان را به کف خیابان آورده ناامیدی است. من سال ۷۰ پس از اخذ مدرک دکترا از انگلیس به ایران بازگشتم و آن زمان درس خواندن خیلی ارزش داشت و کسی که درس می‌خواند همه به عنوان یک دانشجوی فکور و فهیم به او احترام می‌گذاشتند، اما اکنون اگر کسی خوب درس بخواند می‌گویند معلوم نیست از

من معتقدم آخرین بار که مردم در انتخابات شرکت کردند به این امید

که تغییری به وجود آید انتخاباتی بود. لذا معتقدم چهار سال دوم آقای روحانی از ۹۶ تا ۱۴۰۰ نقطه عطف دیگری بود که مردم در سال ۹۶، ۲۴ میلیون به آقای روحانی و ۱۷ میلیون به آقای رئیسی رای دادند و بالای ۶۰ درصد در انتخابات شرکت کردند. این نشان می‌دهد که قطعاً اگر رئیسی بهتر کند؛ اگر روحانی بهتر در ۸ سال کار می‌کرد یا احمدی‌نژاد و هاشمی رفسنجانی بهتر کار می‌کردند و اصلاح‌طلبان فقط به دنبال مسائل سیاسی و گفت‌وگو می‌تند؛ این‌ها نمی‌فکنند و به فکر اقتصاد می‌رفتند و وضع ما این نبود. اگر آمریکا ما را تحریم نکرده بود وضعیت اینطور نبود. در حالی که اقتصاد نیست. آنچه بخشی از جوانان را به کف خیابان آورده ناامیدی است. من سال ۷۰ پس از اخذ مدرک دکترا از انگلیس به ایران بازگشتم و آن زمان درس خواندن خیلی ارزش داشت و کسی که درس می‌خواند همه به عنوان یک دانشجوی فکور و فهیم به او احترام می‌گذاشتند، اما اکنون اگر کسی خوب درس بخواند می‌گویند معلوم نیست از

مردم به این نتیجه رسیده بودند که هیچ امیدی نیست نمی‌آمدند ۲۴ میلیون رای بدهند

کدام شهرستان آمده و کسی به دنبال این مساله نیست. امروز همه به دنبال آن هستند که چگونه گلیم خود را از آب بیرون بکشیم، چگونه مهاجرت کنیم، چگونه پول دربیاوریم. این مساله را مسئولان نمی‌توانند تفهیمه داده باشند.

نگره

از تحکیم پیمان شانگهای تا نگرانی از روابط ایران و روسیه

سیاست خارجی دولت سیدابراهیم رئیسی را می‌توان نمودی از حکمت و نگاه به آینده دانست زیرا بر خلاف دولت قبل، تمام امید خود را به یک قطب جهان نبسته و تلاش کرده است تا با هر کشوری که منافع، احترام و ظرفیت‌های رشد ایران را برآورده می‌کند در چارچوبی متوازن روابط برقرار سازد. رئیس‌جمهور ایران در گردهمایی روسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور دکترین سیاست خارجی دولت را «تعامل با همه کشورها مبتنی بر عدالت و تعادل» توصیف و تصریح کرد. در گذشته برخی تصور می‌کردند سرنوشت کشورها در عرصه جهانی به دست چند کشور معدود رقم می‌خورد و لذا باید خطوط سیاست خارجی خود را با آنان هماهنگ کرد، اما ما معتقدیم که باید با هر کشوری به تناسب ظرفیت‌ها و اقتضانات آن همکاری کرد و در تعیین خطوط سیاست خارجی خود منظر اخم و لیخند کسی نیستیم. رئیسی بدون آنکه همه تخم‌مرغ‌ها را در سبد برجام اروپایی – آمریکایی قرار دهد و برخلاف بی‌اعتنایی‌های گذشته نسبت به شرق، ایران را به عنوان بازیگری تأثیرگذار در تشکیل جهان چندقطبی معرفی کرد. در این چارچوب یکی از پایه‌های اصلی سیاست خارجی دولت سیزدهم نگاه ویژه به همسایگان، تقویت و نقش‌آفرینی در سازمان‌های منطقه‌ای همچون شانگهای و بریکس و غیره بوده است. اگر نگاهی به سفرهای خارجی دولت سید ابراهیم رئیسی در بیش از ۲۰ ماه حضور وی در مسند ریاست جمهوری بیندازیم شاهد هستیم که از مجموع ۱۲ سفر خارجی وی، تنها یک سفر به کشورهای غربی و آن جهت حضور در مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک صورت گرفت.

دیپلماسی در خدمت عضویت و تحکیم پیمان شانگهای

یکی از مهم‌ترین پیمان‌های منطقه‌ای که در آن کشورهای غربی کمترین نقش را دارند «سازمان همکاری شانگهای» است. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان این سازمان که از سال‌های ابتدایی قرن ۲۱ اعلام وجود کرد، با توجه به عضویت روسیه، چین و هند در آن نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی به آینده جهان چند قطبی خواهد داشت. با همین دیدگاه رئیسی به فاصله نسبتاً اندکی پس از ریاست جمهوری، دو سفر مهم را برای تسهیل عضویت ایران در این پیمان انجام داد. همچنین دو سفر دیگر رئیسی به پکن و مسکو نیز اقدامی در جهت تقویت این ائتلاف ارزیابی می‌شود. جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۰۵ تقاضای عضویت در این سازمان را مطرح کرد اما در هر دوره موضوعی داخلی یا بین‌المللی سدره تهران بود. با آنکه از زمان عضویت ناظر ایران در این سازمان سه رئیس‌جمهور در کشورمان تغییر کردند اما در نهایت در دولت سیزدهم، با حضور رئیسی ابتدا در نشست سال ۲۰۲۱ تاجیکستان، ایران به عنوان نهمین عضو اصلی این سازمان مورد پذیرش قرار گرفت، و سپس در اجلاس سمرقند از یکستان تعهدات عضویت دائم به طور رسمی امضا شد. ایران نیز به عنوان عضو دائم جدید در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ (۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲) به این سازمان پیوست. اندیشکده «U.S. Institute of Peace» در گفت‌وگو با «کنت کازتمز» تحلیلگر سابق CIA و کارشناس مسائل ایران و خاورمیانه بر این اعتقاد است: اولویت‌های رئیسی کاهش تنش با همسایگان ایران و تقویت روابط با قدرت‌های آسیایی به ویژه چین و روسیه بوده است. رئیسی همچنین بر گسترش تجارت ایران با کشورهای آسیای مرکزی تمرکز کرده زیرا بر این باور است که آنها تحریم‌های شدید ایالات متحده را عایت نمی‌کنند. تحلیلگر و بیان اینکه رئیسی در عرصه دیپلماسی فعال بوده و در مدت کوتاهی بعد از ریاست جمهوری سفرهای مهم منطقه‌ای را به عمان، قطر، روسیه، تاجیکستان و ترکمنستان انجام داد تصریح کرد اولین سفر خارجی رئیسی به تاجیکستان بود، جایی که در اجلاس سازمان همکاری شانگهای در سپتامبر ۲۰۲۱ شرکت کرد. ایران با تلاش‌های وی توانست ۱۵ سال پس از ارائه درخواست، به عضویت این بلوک اقتصادی و امنیتی منطقه‌ای به رهبری چین و روسیه دربیاید.

نگرانی غرب از روابط راهبردی تهران – مسکو

حضور در مسکو سومین سفر خارجی ابراهیم رئیسی پس از نشست‌های دوشنبه و عشق‌آباد بود؛ به اعتقاد تحلیلگران این سفر به عنوان تلاشی قابل توجه در عضویت و پیونددهی پیمان شانگهای و اتحادیه اور آسیایی بوده است. ایران و روسیه به عنوان دو کشوری که هدف شدیدترین تحریم‌های غرب قرار دارند در سفر اواخر دی ماه ۱۴۰۰ رئیس‌جمهوری کشورمان ۱۴ سند همکاری را امضا کردند که نهایی کردن مباحث برای پیوستن ایران به اتحادیه اور آسیایی و تعیین تکلیف کردیدر شمال – جنوب و ساخت راه‌آهن رشت – آسترا در کنار پیوند نزدیک‌تر ساختار تجاری و مالی دو کشور از مهم‌ترین مباحث بوده است. موسسه «ولیم برنز» رئیس‌سیا، در مصاحبه‌ای به «پی. ای. اس نیوز» با صراحت نزدیکی تهران به مسکو را تهدیدی واقعی برای ایالات متحده و بسیاری از دوستان و شرکای آن ارزیابی کرد.